



خودش می‌گوید: «دوست دارم فرزند خصال خویشتن باشم» اما هر طور که بالا و پایین کنی، نمی‌توانی در شروع معرفی «محمدعلی آهنگران» نگویی «فرزند صادق». محمدعلی پسر همان حاج صادق است؛ همان مداح محبوب دهه شصت و همان شخصیت نوستالژیک دهه‌های بعد. حال در محله جردن روی در روی محمدعلی نشستیم؛ پسر بزرگ همان پدر. او هم بی‌شباهت به پدر نیست، محمدعلی هم می‌خواهد صدای یک نسل باشد، یک نسل فراموش شده. او می‌خواهد زبان دهه هفتادی‌ها و هشتمادی‌ها باشد.

گفت‌وگوی صریح و بی‌پرده «شهروند» با محمدعلی آهنگران

آفت طلبه جدایی از مردم است

حسام خراسانی | «یک روحانی متفاوت» بهترین تعبیر از محمدعلی آهنگران، فرزند مداح معروف دهه شصت است. روحانی جوانی که تا پیش از انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری به عنوان کارشناس در وزارت نفت مشغول به کار بود، اما با شروع تب و تاب انتخابات به نفع نامزد پیروز یعنی حسن روحانی وارد میدان سیاست شد؛ ورودی که برای آهنگران با حاشیه‌های مختلفی همراه شد. فعالیت پررنگ انتخاباتی آهنگران در آن دوران باعث شد تا حتی پس از انتخابات نیز در تیرس آن اتهامات و شایعات قرار بگیرد. اقامت و تابعیت کانادایی، انتصاب به عنوان معاون وزارت نفت و... از جمله شایعات و اتهامات مطرح شده در فضای مجازی درباره این روحانی جوان است. محمدعلی آهنگران در گفت‌وگو با «شهروند» به این شایعات پاسخ داده. آن چه در ادامه می‌آید، بخشی از گفت‌وگوی «شهروند» با «محمدعلی آهنگران» است.

• مدتی در وزارت نفت مشغول بودید؛ با دلخوری از این‌وزارت‌خانه خارج شدید؟
نه حقیقتاً. من پیش از سال ۹۱ یعنی در دولت آقای احمدی‌نژاد در وزارت نفت به واسطه تخصص فعالیت داشتم. پدرم هم در ورود من به وزارت نفت هیچ نقش و دخالتی نداشت. اصلاح‌زانی که من وارد این وزارت‌خانه شدم، پدرم اطلاع نداشت. اما بعد از انتخابات سال ۹۶ فردی به من زنگ زد و گفت: شما الان در معاونت چه کار می‌کنید؟ من هم فکر کردم از بچه‌های پرسنلی هستند به سواالاتشان پاسخ دادم؛ یک دفعه سوالی کرد در مورد ژن خوب. گفتم: اگر آن می‌خواهی من صاحب کنی وقت بگیر، گفت‌وگو می‌کنیم. بعد از چند ساعت نوشتند: آقا آهنگران زن خوب دارد و معاون حقوقی پارلمانی وزارت نفت شده‌است. این شایعات هم‌زمان با اعتراضات دانشجویان دانشگاه وزارت نفت پیرامون مسأله استخدامی‌شان مطرح شد. نهایتاً من برای اینکه هم به شأن وزارت‌خانه تلطمه نخورد و هم وزیر به خاطر من زیر ضرب نرود و احساس تبعیضی هم به وجود نیاید با این عنوان که فردی به خاطر انتخابات پست گرفته، استعفا کردم.

• یعنی به عقیده خودتان تبعیضی صورت گرفته بود؟
نه، تبعیضی نبود از من دعوت به کار نشده بود. علت دعوت به کار را هم باید از مدیری پرسید که از من دعوت به کار کرده بود؛ اما من نمی‌خواستیم آن احساس تبعیضی که در ذهن یک عده شکل گرفته، به واسطه من تشدید شود. بگویند فلائی به خاطر اینکه حامی روحانی و اصلاح‌طلب بوده یا فرزند فلائی است، به چنین فرصتی دست یافته است. من دردم همیشه

این بوده که فرزند خصل خویشتن باشم و هر مسئولیتی را که به عهده می‌گیرم، صرف نظر از قاعده نسبی و حزبی باشد.

• اما پدر در میان مردم چهره محبوبی است.
بله؛ پدرم با من اختلاف دیدگاه دارد؛ پدرم وابسته به دوره‌های طلایی در تاریخ است، زمانی که مردم نسبت به مسئولان کشور اعتماد داشتند، و همه با هم مهربان‌تر بودیم. صرف نظر از اینکه صادق آهنگران پدر و دوست صمیمی من است، یک سرمایه فرهنگی برای انقلاب است. من به اینکه پسر صادق آهنگران هستم، افتخار می‌کنم و آنکار هم نمی‌کنم که این رابطه در بعضی اوقات به واسطه علاقه‌ای که مردم به صادق آهنگران دارند، باعث شده برای من منافی داشته باشد؛ مثلاً کسی دوست داشته خدمتی بکند، اما من و پدرم هیچ‌گاه به دنبال کسب‌منفعت نبودیم.

• الان دقیقاً به چه کاری مشغولید؟
یک دفتر مشاوره حقوقی دارم و کار حقوقی انجام می‌دهم.

• پرونده‌های خاص سیاسی - اجتماعی هم قبول می‌کنید؟
عموماً من دنبال پرونده‌های خاص نیستیم؛ چون علاقه‌ای ندارم.

• انتقادی هم در این زمینه وارد است که طلبگی را کمتر در زندگی محمدعلی آهنگران می‌بینیم؟
من از سال ۷۴ با عشق طلبه شدم، روحانیت را به واسطه معنویت انتخاب کردم؛ در عین حال رشته حقوق را که رشته مورد علاقه من هم است و ارتباط تنگاتنگی با اصول فقه دارد، دنبال کردم. من ترکیب این دورا می‌پسندم اما جامعه من را یک روحانی، یک طلبه می‌شناسد؛ من یک آخوند به معنی عام.

• پس این انتقاد را رد می‌کنید؟
بله؛ من سعی کردم در فعالیت‌های اجتماعی که بنا به وظیفه تبلیغی به عهده دارم، از حوزه دین حرف بزنم. اگر مطلبی می‌نویسم یا سخنرانی می‌کنم، از خاستگاه روحانیت و طلبگی باشد؛ فعالیت‌م در کرمانشاه هم در همین راستا بود. من در کرمانشاه سعی کردم بهترین وظیفه‌ای که بر عهده یک طلبه است یعنی خدمت به مردم را دنبال کنم. شما در زندگی امام موسی صدر توجه کنید و جود اجتماعی و خدمت به مردم یکی از مهمترین وجوه زندگی این بزرگوار است؛ این همان کاری است که یک طلبه باید انجام دهد. البته من امام‌جماعت مسجد

خودم می‌گویم: «دوست دارم فرزند خصل خویشتن باشم» اما هر طور که بالا و پایین کنی، نمی‌توانی در شروع معرفی «محمدعلی آهنگران» نگویی «فرزند صادق». محمدعلی پسر همان حاج صادق است؛ همان مداح محبوب دهه شصت و همان شخصیت نوستالژیک دهه‌های بعد. حال در محله جردن روی در روی محمدعلی نشستیم؛ پسر بزرگ همان پدر. او هم بی‌شباهت به پدر نیست، محمدعلی هم می‌خواهد صدای یک نسل باشد، یک نسل فراموش شده. او می‌خواهد زبان دهه هفتادی‌ها و هشتمادی‌ها باشد.

• مدتی در وزارت نفت مشغول بودید؛ با دلخوری از این‌وزارت‌خانه خارج شدید؟
نه حقیقتاً. من پیش از سال ۹۱ یعنی در دولت آقای احمدی‌نژاد در وزارت نفت به واسطه تخصص فعالیت داشتم. پدرم هم در ورود من به وزارت نفت هیچ نقش و دخالتی نداشت. اصلاح‌زانی که من وارد این وزارت‌خانه شدم، پدرم اطلاع نداشت. اما بعد از انتخابات سال ۹۶ فردی به من زنگ زد و گفت: شما الان در معاونت چه کار می‌کنید؟ من هم فکر کردم از بچه‌های پرسنلی هستند به سواالاتشان پاسخ دادم؛ یک دفعه سوالی کرد در مورد ژن خوب. گفتم: اگر آن می‌خواهی من صاحب کنی وقت بگیر، گفت‌وگو می‌کنیم. بعد از چند ساعت نوشتند: آقا آهنگران زن خوب دارد و معاون حقوقی پارلمانی وزارت نفت شده‌است. این شایعات هم‌زمان با اعتراضات دانشجویان دانشگاه وزارت نفت پیرامون مسأله استخدامی‌شان مطرح شد. نهایتاً من برای اینکه هم به شأن وزارت‌خانه تلطمه نخورد و هم وزیر به خاطر من زیر ضرب نرود و احساس تبعیضی هم به وجود نیاید با این عنوان که فردی به خاطر انتخابات پست گرفته، استعفا کردم.

• یعنی به عقیده خودتان تبعیضی صورت گرفته بود؟
نه، تبعیضی نبود از من دعوت به کار نشده بود. علت دعوت به کار را هم باید از مدیری پرسید که از من دعوت به کار کرده بود؛ اما من نمی‌خواستیم آن احساس تبعیضی که در ذهن یک عده شکل گرفته، به واسطه من تشدید شود. بگویند فلائی به خاطر اینکه حامی روحانی و اصلاح‌طلب بوده یا فرزند فلائی است، به چنین فرصتی دست یافته است. من دردم همیشه

فردی دارم. به طور کلی در این حادثه تلخ بیش از سیصد میلیون تومان مردم به حسابم واریز کردند که در فضای مجازی نحوه هزینه‌کرد آن را توضیح دادم.

• در مسأله و چالش استان خوزستان هم فعال هستید؟
بله؛ اما در قفسه خوزستان حساب معرفی نکردم. به نظرم مشکل خوزستان با جمع‌آوری پول و خرید آب معدنی حل نمی‌شود؛ در این مورد باید از دولت مطالبه کرد.

• در مورد عملکرد هلال احمر در زلزله کرمانشاه چه نظری دارید؟
• من همکاری با هلال احمر نداشتیم البته جزو مخالفان این موضوع هم بودم که به هلال احمر اعتماد نکنیم. اتفاقاً عقیده داشتم که می‌بایست به جمعیت هلال احمر اعتماد کرد؛ حقیقتاً هم هلال احمر در این زلزله کارهای بزرگی انجام داد. من در این اتفاق تلخ سعی کردم به عنوان یک چهره اجتماعی که مخاطب دارد، وظیفه خودم را انجام بدهم؛ این موضوع هم به نظرم منافاتی با فعالیت‌های هلال احمر نداشته است.

• در مورد این چند کلمه و این چند اسم احساساتتان را کوتاه‌بیاورید.
• شیخ مفید؟
یک رویای عجیب برای من در طلبگی.

• علامه طباطبائی؟
عشق طلبگی من.

• صادق آهنگران؟
یک تکیه‌گاه قابل اعتماد و یک رفیق.

• اهواز؟
شهری که در دارم.

• جنگ؟
اتفاقی که امیدوارم هیچ‌وقت دامن این کشور را نگیرد.

• ایران؟
مادر، وطن، همه زندگی و هویت ما.

• ممکن است یک روز آهنگران خودش وارد عرصه هنر شود؟
بله. من در حال حاضر هم وارد شدم؛ اما خودم را در معرض قضاوت نگذاشتم، دو نمایشنامه نوشتم و گاهی اوقات هم زرمزه آهنگ دارم، یک مدت آواز دستگاه ایرانی را نیز از کی می‌کردم. در مورد تولید اثر دغدغه دارم و ذهنم مشغول است، دوست دارم یک روز با عنوان تهیه‌کنندگی وارد عرصه هنر شوم.

زندگی خصوصی «محمدعلی»

• وضعیت مالی‌تان خوب است؟
راضیم، الحمدلله. کار و یا سهام دولتی هم ندارم. بدون رانت احساس بی‌نیازی می‌کنم؛ البته ممکن است کسی بگوید این میزان حقوقی که شمامی گیرید کم است اما من راضی‌ام.

• خودرویی شخصی؟
مگان دارم.

• دفتر و منزل اجاره‌ای است؟
بله، هم در منزل و هم در شرکت مستاجریم.

• چه سالی ازدواج کردید؟
سال ۸۲.

• یک دختر هم دارید.
بله، مریم کلاس پنجم می‌رود.

• در کارهای خانه مشارکت می‌کنید؟
این سوال را باید از همسرم بپرسید. مشارکت اگر به معنی ظرف شستن و جارو کردن باشد خیر؛ اما سعی می‌کنم فضای بانشاطی را در خانه داشته باشیم. با دخترم یکس باکس بازی می‌کنم.

• آشپزی؟
نه، اصلاً؛ آشپزی خاطره تلخی دارم.

• خب تعریف کنید.
همین را بگویم که ضرر کردم و مجبور شدم دیگر را هم بیرون بیاورم.

• دست‌پخت خانم؟
خیلی خوب. مادر پُر کاری است.

• شاغل‌اند؟
نه.

• از دو جتان سنتی بود؟
بله، من مثل جوانان دیگر که علاقه‌مند به ازدواج هستند با پدر و مادرم موضوع را مطرح کردم، سال ۸۱ بود.

• عاشق شدید؟
نه من عاشق کسی نبودم؛ خاطر خواه و دل‌داده هم نبودم. گفتم می‌خواهم ازدواج کنم، پدر و مادرم گفتند: با کی؟ گفتم هر کسی که شما و من ببینیم. چون معتقدم عروس باید مورد پسند پدر و مادر هم باشد. دوست داشتم عروس وقتی وارد خانه پدر می‌شود با پدر و مادرم بخندند و دوست باشند. در انتخاب گزینیه با پدرم و مادرم هم اشتراک داشتیم.

• با دختر خاله‌تان ازدواج کردید؟
بله. از زندگی مشترکم راضی‌ام، معتقدم که عشق و علاقه مهم است اما در زندگی بخشش، همکاری و تحمل هم چیزی کم از عشق ندارد. عشق هم باید نتیجه‌اش بخشش باشد و هم یاد بگیریم ببخشیم.

• فوتبالی هم هستید؟
والا اطلاعات من از فوتبال در حد همان سوپاسو اوزار است. به قول یکی از رفقای من همان قدر از فوتبال می‌دانم که چارلز دیکنز از فقه جعفری اطلاعات دارد.

• پرسپولیس یا استقلال؟
معمولاً جورا می‌سنجم اگر جو استقلال بود آبی می‌شوم و اگر پرسپولیس قرمز.

• یعنی سمت باد...
بله. در این زمینه اقرار می‌کنم حزب بادم.

• موسیقی هم گوش می‌کنید؟
موسیقی بی‌کلام خیلی دوست دارم، پیانو ساز مورد علاقه من است. برای هنر این سوی آب و آن سوی آب هم قابل نیستیم، اثری که به من حس معنوی بدهد و خاطره یا حس خوب را برام بسازد، یعنی می‌پسندم. با کیوان ساکت و استاد کلهر هم خیلی دوست هستیم.

• از خواننده‌های سنتی...
از خوانندگان داخل علیرضا قربانی، سالار عقیلی، محمدمعتمدی، همایون شجریان، شهرام ناظری و استاد شجریان را دوست دارم.

• پاپ...
مهدی یراحی، روزبه یمانی و ابراهیم زاده.

• بهترین فیلم ایرانی؟
به تئاتر بیشتر علاقه دارم و بیشتر تمرکز در سینما در ایام جشنواره است. اما مادر حاتمی را یک اثر فوق‌العاده می‌دانم. سینمای حاتمی، سینمای جذابی است. روز واقعه، سگ کنشی، اجاره نشین‌ها و دلشدگان، به‌طور کلی فیلم‌های حاتمی، کیارستمی، بیضایی و مهرجویی را دوست دارم.

• سریال‌های خارجی را هم دنبال می‌کنید؟
بازی تاج و تخت.

• و تئاتر...
هفته‌ای دو بار تئاتر می‌بینم. کابوس حضرت اشرف را خیلی دوست داشتم، چون در مورد زندگی سیاستمدار مورد علاقه من احمد قوام السلطنه بود.



نه سلبریتی نه سرندیبیتی!

• بعضی از منتقدان در معرفی شما واژه «آخوند سلبریتی» استفاده می‌کنند، با این واژه موافق هستید؟
من از این واژه سلبریتی خوشم نمی‌آید. سلبریتی واژه فارسی نیست من با کلمات غیر فارسی مسأله دارم. این واژه یک مفهوم غربی است که عمدتاً ناظر بر چهره هنری و سینمایی است. من این عنوان را حداقل برای یک طلبه مناسب نمی‌بینم. خودم را هم نه سلبریتی می‌دانم نه سرندیبیتی؛ من یک چهره اجتماعی‌ام، چهره‌ای که بیش از هم‌لباستان دیده می‌شود.

• در مورد علت این دیده شدن، حرف بزنیم.
شاید به خاطر پدرم، شاید هم به خاطر شر و شور سیاسی‌ام.

• اما ز پدر پر حاشیه‌ترید.
بله. به خاطر فضای مجازی است.

• در فضای مجازی بیشتر به دغدغه‌های جوانان می‌پردازید؟
یک روحانی باید زبان نسلی باشد که به آن تعلق دارد. من یکی از آسیب‌هایی که در بین روحانیون می‌بینم همین عدم ارتباط با جوانان و نوجوانان است. ما باید با نسل دهه ۷۰ و ۸۰ ارتباط برقرار کنیم. اگر از فوتبال خوشحال شده‌اند آنها را همراهی کنیم. روحانیت باید پدر گردد به متن زندگی مردم.

• محمدعلی آهنگران از قدرت فاصله گرفته؟
بله. من با این که فرصت شرکت در مجلس و شورای شهر را داشتم و زمینه حضورم هم فراهم بود حاضر نشدم، چون رویکردم از ابتدای فعالیت‌های اجتماعی این نبوده که در لیست و حزب بروم. به نظرم اشتباه است که آخوند رنگ حزبی بگیرد.

• در جذب دهه هفتادی‌ها و هشتمادی‌ها موفق بوده‌اید؟
اینستاگرام الگوریتمی دارد که می‌گوید میانگین سنی مخاطبان کاربر چندسال است؛ دنبال‌کنندگان من بین ۱۸ تا ۲۸ سال هستند. من باید زبان، چشم و گوش اینها باشم. من اگر طلبه و روحانی هستم باید دعوت به اخلاق کنم، مسائل شرعی را بیان کنم، اما باید اقتضات این نسل را مدنظر قرار دهم، اعتقاد این است که شبکه‌های اجتماعی یک منبر است.

• به فضای مجازی اهمیت زیادی می‌دهید؟
فضای مجازی یک منبر است که هم تدریس می‌کنی و هم می‌آموزی.

• در فضای مجازی به موضوعات دینی هم می‌پردازید؟
من اصلاً کانادا نرفتم، تمایلی هم به زندگی و تابعیت در خارج از کشور ندارم. دوست دارم بین رفقایم تهران زندگی کنم.

عکس: مهدی حسینی / شهروند